

## بررسی نقش انقلاب اسلامی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و فضای ژئوپلیتیک شکل گرفته

هادی زرقانی<sup>۱</sup>، محمدرضا میرزایی<sup>۲</sup>، زهرا حسینی سادات<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۰

### چکیده:

موقعیت ژئوپلیتیک کشورها در طول زمان و تحت تأثیر عوامل مختلفی همچون جنگ ها، انقلاب ها، تحولات نظام بین المللی و نظام جهانی و تغییر در موازنه های قدرت همواره در حال تغییر و تحول است. ایران یکی از کشورهایی بوده که ژئوپلیتیک آن در طول چهار دهه گذشته دچار تغییر و تحولات زیادی شده است که علل آن را می توان در طیف مختلفی از عوامل ژئوپلیتیک داخلی و خارجی جستجو کرد. در اواخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ با توجه به شکل گیری انقلاب اسلامی و حکومت شیعی ساختارهای منطقه ای دچار تحول شد و به سبب آن نقش و جایگاه ایران نیز در مناسبات منطقه ای و جهانی دگرگون گردید. چنین شرایطی، زمینه ساز جنگی شد که یکی از مهمترین اهداف آن جلوگیری از قدرت یابی شیعیان در منطقه خاورمیانه بود. این مقاله با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی به دنبال بررسی تأثیرگذاری شکل گیری حکومت شیعه در ساختار ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه در آن زمان و تأثیر آن بر شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است. همچنین با توجه به ساختارهای حمایتی شکل گرفته آن دوران سعی شد چگونگی و علل این روند مورد واکاوی و بررسی ژرف تر قرار گیرد.

### واژگان اصلی:

موقعیت ژئوپلیتیک، تحولات ژئوپلیتیک، انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی.

۱- استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد.

۲- کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس تهران.

۳- کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس تهران.

## مقدمه

تجربه انقلاب مردمی و ایدئولوژیک در ایران که به افزایش نقش شیعیان در ساختار هرم سیاسی در ایران منجر شده بود، باعث به وجود آمدن نوعی هراس در کشورهای قدرت طلب منطقه و قدرت‌های سلطه‌گر جهانی از انقلاب مردمی نسبت به منطقه ژئواستراتژیک ایران گردید.

ساختار ژئوپلیتیکی که در دوران جنگ سرد در منطقه خاورمیانه شکل گرفته بود همزمان با وقوع انقلاب شاهد تغییرات ساختاری در حوزه ژئواستراتژیک شرق و غرب شد که علاوه بر به هم خوردن موازنه‌های موجود در روابط بین‌المللی منطقه، مسائل جدید و پیش‌بینی نشده‌ای را نیز حادث ایجاد کرد. با احیای شیعیان و بازنمایی در کشورهای منطقه و خاورمیانه، و تأثیرات ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک آن در ساختار قدرت و امنیت منطقه‌ای، تحولات و تغییرات نوینی در تعاملات ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک منطقه به وجود آمد. متأثر از چنین شرایطی، محیط ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی ایران دگرگون، و باعث به وجود آمدن چالش‌های ژئوپلیتیک علیه ایران در سطح منطقه‌ای و جهانی شد که نهایتاً باعث جنگی نابرابر در سطح منطقه‌ای با ابعادی بین‌المللی علیه ایران شد: طولانی‌ترین جنگ در منطقه پس از جنگ‌های صلیبی.

این مقاله در نظر دارد با دیدی واقع‌گرایانه و با روش توصیفی و تحلیلی بر اساس اطلاعات گردآوری شده از منابع کتابخانه‌های و مکتوب به بررسی فضای شکل گرفته از ژئوپلیتیک ایران در دوران قبل و بعد از جنگ عراق علیه ایران پردازد و برای آن تبیین ژئوپلیتیک ارائه کند.

هدف این پژوهش بررسی و تبیین ژئوپلیتیک نقش مذهب شیعه در آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است. بر این اساس در این پژوهش با بررسی علل و ساختارهای حمایتی شکل گرفته پس از آغاز جنگ به بررسی نقش مذهب شیعه در ساختارهای ژئوپلیتیک آن زمان و آغاز جنگ می‌پردازد. بنابراین سوال اصلی این پژوهش این است که شکل‌گیری حکومتی شیعه در خاورمیانه چه نقشی را در بر هم خوردن توازن ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و آغاز جنگ عراق علیه ایران داشت.

به نظر می‌رسد قدرت‌یابی شیعیان نقش بسزایی در برهم خوردن نظم ژئوپلیتیک در سرتاسر

منطقه خاورمیانه داشته و تهاجم عراق به ایران را که از حمایت‌های قدرت‌های سلطه‌گر و کشورهای سنی مذهب برخوردار شد، در پی داشته است. در این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع مورد بررسی، روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است که در آن سعی شده با استفاده از منابع کتابخانه‌ای استدلال‌های پژوهش، توجیه قانع‌کننده بیابد.

## ۱- مباحث نظری

### ۱-۱- ژئوپلیتیک

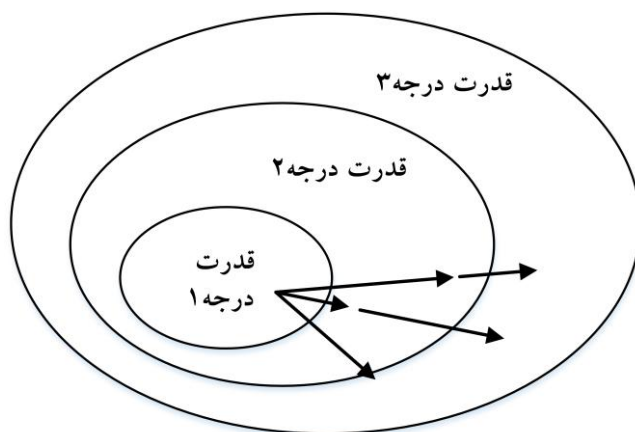
تاریخچه ژئوپلیتیک را به اندازه تاریخ جستجوی انسان برای یافتن مکان، قلمرو و ترس دانسته‌اند (مویر، ۱۳۷۹: ۳۶۵) که هنر ایجاد موازنه قدرتی با رقیبان در سطوح منطقه‌ای و جهانی در جهت تأمین امنیت، حفظ و گسترش منافع ملی در سطوح منطقه‌ای و جهانی را فراهم کرده است (مجتهد زاده، ۱۳۸۵: ۱۱۹). در این بین از زمان وضع دانش ژئوپلیتیک (۱۸۹۹) طیف وسیعی از مفاهیم برای آن ارائه شده است که شامل دانش مناطق بحرانی، دانش مرزهای بین‌المللی، دانش روابط قدرت، الگوهای مسالمت، رقابت و خصومت بین کشورها می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۹). از جمع‌بندی تمام این مفاهیم می‌توان گفت که مفهوم ژئوپلیتیک بیانگر حیطه‌ای از بررسی جغرافیایی است که عامل فضا را در شناخت چگونگی شکل‌گیری روابط بین‌الملل مهم تلقی می‌کند و برنامه ریزی برای سیاست‌های امنیتی هر کشور را با توجه به پدیده‌های جغرافیایی و قدرت آن کشور فراهم می‌سازد (کارابولوت، ۲۰۰۵: ۲۸).

### ۱-۲- ساختار ژئوپلیتیک

ساختار روابط ژئوپلیتیک منعکس‌کننده الگوهای رابطه بین دولت‌ها و کشورها بر اساس سطح قدرت آن‌هاست. این ساختار را می‌توان در قلمروهای جهانی و منطقه‌ای مورد ارزیابی قرار داد. در ساختار مزبور در مقیاس منطقه‌ای و یا کروی و جهانی کشورها و روابط آن‌ها به ۳ دسته تقسیم می‌شوند:

- قدرت‌های درجه ۱ با الگوی رابطه یک سویه سلطه از بالا؛  
 - قدرت‌های درجه ۲ با الگوی رابطه دو سویه سلطه و زیر سلطه؛ و  
 - قدرت‌های درجه ۳ با الگوی رابطه یک سویه زیر سلطه و نفوذپذیر (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۳۱).  
 از گذشته تاکنون وقوع تحولات ساختاری در نظام بین‌الملل تأثیرات غیرقابل انکاری بر وضعیت سیاسی کشورها بر جای گذاشته است؛ به طوری که پس از فروپاشی اتحاد شوروی در دسامبر ۱۹۹۱ میلادی و چیرگی ایدئولوژی لیبرال دموکراسی مبتنی بر جهان وطنی و اقتصاد بازار آزاد بر ایدئولوژی کمونیسم مبتنی بر مارکسیسم - لنینیسم، تحول شگرفی در مفهوم ساختار ایدئولوژیک ژئوپلیتیک صورت پذیرفته است (خوش‌خطی و امجدی، ۱۳۸۶: ۲۳۰).

برای فهم تحولات ساختاری و رقابت‌های ژئوپلیتیک علاوه بر منافع و ادعاها، ضروری است علل آن‌ها و نیز اندیشه‌های نقش آفرینان اصلی از جمله سران، شخصیت‌های بانفوذ و نهادهای تصمیم گیرنده در حکومت‌ها، رهبران و افراد کلیدی جنبش‌های منطقه - گرا، خودمختاری طلب و استقلال طلب را نیز درک کرد. نقش اندیشه‌ها در ژئوپلیتیک بسیار مهم است؛ زیرا این اندیشه‌ها هستند که اهداف را تعیین می‌کنند؛ همان گونه که داده‌های مادی، انتخاب راهبرد مناسب را امکان پذیر می‌نمایند (واعظی، ۱۳۸۵: ۲۹-۳۰).



شکل ۱: مدل مفهومی ساختار روابط ژئوپلیتیک

### ۳-۱- نسبت جنگ و ژئوپولیتیک

واژه جنگ از ریشه آلمانی «ورا» گرفته شده است که به معنای آزمون نیرو با استفاده از اسلحه بین ملت‌ها (جنگ خارجی) یا گروه‌های رقیب در داخل کشور (جنگ داخلی) صورت می‌گیرد که هدف آن پیروزی بر رقیب برای ملزم ساختن او به انقیاد تام است. (بیرو، ۱۳۷۰: ۴۴۹). بدون شک جنگ یکی از پیچیده‌ترین پدیده‌های اجتماعی است که نقش و تأثیر آن در شکل‌گیری تاریخ و دگرگونی آن بسیار مهم است و به عنوان یک متغیر مهم در تحولات حیات اجتماعی نقش بازی می‌کند. (کارکنان نصر آبادی، ۱۳۸۴) اصولاً منشأ جنگ، رفتار فردی و جمعی انسان هاست و یکی از رخدادهایی است که در روابط بین کشورها بسیار موثر است و ممکن است به دنبال اعلان یا از طریق اعلام یک دولت مبتنی بر درگیر بودن با دولت دیگر یا به طرز ساده متعاقب انجام اقدامات خصمانه مبتنی بر زور علیه دولت دیگر آغاز شود. (برزنونی، ۱۳۷۹: ۸۵). در بروز جنگ انگیزه‌های ذاتی و نیز عوامل و ارزش‌های جغرافیایی نقش اساسی بر عهده دارند.

کشورها بر اساس منافع متعارض با هم رقابت می‌کنند تا در نهایت بتوانند حریف و رقیب را از دستیابی به فرصت‌ها باز دارند. جنگ به عنوان بازتاب دهنده کنش و واکنش ملت‌ها، دولت‌ها، گروه‌های اجتماعی و افراد بر سر منافع، ارزش‌ها و امیال، تجلی ترکیب سه اصل اساسی ژئوپولیتیک (جغرافیا، سیاست و قدرت) است، و تغییر و تحول هر یک از عناصر مزبور در این ترکیب می‌تواند بر ماهیت، کیفیت و نحوه عمل جنگ و نتایج آن تأثیر بگذارد (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۳۴۵). عواملی که به عنوان ارزش و منافع ملی از قبیل سرزمین، فضا، مرز، منابع معدنی و آب و دسترسی به آب‌های آزاد و بنادر قابل کشتیرانی به آن نگرسته می‌شود ممکن است علل یا توجیهی برای برای منازعه باشد که می‌تواند از نظر اقتصادی، سیاسی و نظامی اثر مستقیمی بر قدرت ملی هر کشور داشته باشد (وندایک، ۱۹۶۶: ۸۴).

1. Werra
2. Vandyke



نمودار ۱: عوامل بروز جنگ

#### ۴-۱- ژئوپلیتیک شیعه در خاورمیانه

خاورمیانه به دلیل جایگاه امنیتی و استراتژیک ویژه، همیشه صحنه رقابت‌های ژئوپلیتیک قدرت‌های بزرگ محسوب شده که توانسته است خاورمیانه را به حوزه ژئوپلیتیک با محوریت (قلب زمین) تبدیل گرداند (کوهن؛ ۲۰۰۸: ۶۵۲). در این میان بازیگران فروملی، نیروهای مقاومت و نهضت‌ها و انقلاب‌های آزادی بخش را می‌توان به عنوان محور اصلی معادله قدرت و بازیگری در فضای ژئوپلیتیک خاورمیانه دانست (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۳۷). شیعیان به عنوان یکی از این بازیگران، توانسته اند نقشی تأثیرگذار را در حوزه جغرافیایی خاورمیانه ایفا کنند. از ویژگی منحصر به فرد این بازیگران، تمرکز جغرافیایی آنان در منطقه است که به آن‌ها موقعیت استراتژیک بخشیده است (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۶۳).

به جرأت می‌توان ادعا کرد که بیشتر جمعیت شیعیان که حدود ۱۵ درصد از جمعیت مسلمانان را تشکیل می‌دهند در این منطقه حضور دارند. از این تعداد، ۹۰ درصد مردم ایران، ۸۵ درصد مردم آذربایجان، ۸۰ درصد مردم بحرین، ۶۵ درصد مردم عراق، ۵۵ درصد مردم لبنان، ۴۵ درصد مردم یمن، ۳۵ درصد مردم پاکستان، ۳۶ درصد مردم کویت، ۳۶ درصد مردم قطر، ۲۰ درصد مردم ترکیه، ۱۸ درصد مردم افغانستان، ۱۷ درصد مردم سوریه، ۱۶ درصد مردم امارات را شیعیان تشکیل می‌دهند (مجیدی، ۱۳۸۹: ۴۰).

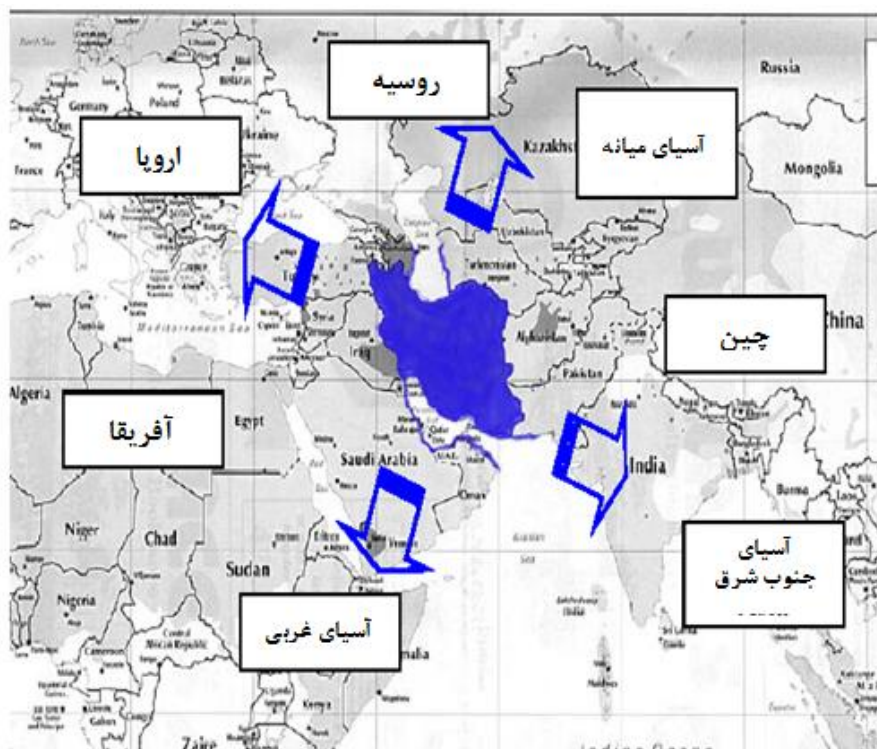
ژئوپلیتیک شیعه در خاورمیانه، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تحت تأثیر مفاهیم تولیدشده انقلاب اسلامی اهمیت سیاسی زیادی یافته بود؛ انقلابی که توانسته بود از دیدگاه فرهنگی و اجتماعی همچون انقلاب‌های دیگر، راه را برای دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی کلان باز کند. بواق، در اثر این رخداد و رخداد‌های متعدد پس از آن بود که تشیع به یکی از عوامل مهم و تأثیر گذار دنیای ژئوپلیتیک تبدیل شد (احمدی، ۱۳۹۱: ۶۶).

نگرش جدید شیعیان پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران به خود و هویت شیعی‌شان بر نظم خاورمیانه تأثیر گذاشت و چارچوب‌های تحلیلی جدیدی برای توزیع قدرت تعریف کرد. چنین نگرش‌هایی بیشتر به علت حضور در مراکز راهبردی منطقه خاورمیانه مثل میدان‌های نفتی و مراکز تجاری بالقوه بوده است (نکونی، ۱۳۸۸: ۲۳). دارا بودن بیشترین منابع نفتی جهان (۷۵ درصد) در منطقه خاورمیانه و تسلط ۳۰ درصدی ذخایر نفت جهان در کشورهای ایران، عراق و آذربایجان که با اضافه کردن منطقه شیعه نشین عربستان سعودی این مقدار به ۵۰ درصد فزونی خواهد یافت نشان از تسلط شیعیان منطقه خاورمیانه در منطقه شیعه نشین، بر یکی از مهمترین منابع موجود جهان دارد (جاودانی مقدم، ۱۳۹۱: ۳۶).

## ۲- یافته‌های تحقیق

### ۲-۱- موقعیت ژئوپلیتیک ایران در دوران گذار

موقعیت ژئوپلیتیک ایران تا قبل از انقلاب اسلامی، با تأکید بر متغیرهای سنتی مورد ارزیابی قرار می‌گرفت و همین متغیرها بودند که باعث جلب توجه و علاقه کشورهای غربی، بویژه آمریکا، به ایران شده بود. هر یک از کشورهای غربی اهداف خاصی را از ژئوپلیتیک ایران دنبال می‌کردند. از جمله می‌توان به علاقه آن‌ها به موقعیت گذرگاهی ایران و بازار مصرفی قابل توجه در ایران، با توجه به متغیر جمعیت، منابع خام و نفتی اشاره کرد.



نقشه ۱: موقعیت گذرگاهی ایران

ایران از نظر فضایی یک کشور آترواستراتژیک، و یکی از مناطق حساس جهان به شمار می‌رود و از نظر ژئو دکترین، یکی از کشورهای «هارتلند» یا قلب حیاتی سرزمین جهانی شناخته می‌شود. در سطح کره زمین، بخش محدودی به خشکی‌ها اختصاص دارد و در میان خشکی‌های کره زمین، قطعه بزرگ و یکپارچه آسیا - اروپا، (اوراسیا) به عنوان جزیره اصلی کره زمین مطرح است که به جزیره جهانی معروف می‌باشد و سرزمین ایران به عنوان قلب سرزمین حیاتی (جزیره جهانی) در جهان ژئو دکترین مطرح است. (قهرمانی، ۱۳۹۱: ۱). ثبات و امنیت منطقه در گرو امنیت ملی ایران بود و بر همین مبنا، فروش تسلیحات به ایران در دستور کار آن‌ها قرار گرفت (فاضلی نیا، ۱۳۸۵: ۲۳).





نقشه ۲: هارتلند ایران

منبع: (قهرمانی: ۱۳۹۱)

امریکایی‌ها معتقد بودند عدم ثبات و بروز ناآرامی در منطقه باعث نفوذ شوروی می‌شود که از جمله آثار آن به خطر افتادن امنیت متحدان و نهایتاً امنیت خود آن‌ها خواهد بود. به همین منظور، ستو (سازمان پیمان مرکزی) را در ۲۱ اوت ۱۹۵۹ به عنوان جانشین «پیمان بغداد» به وجود آوردند. در این پیمان دولت‌های عضو پیمان بغداد، ایران، انگلستان، پاکستان و ترکیه (بجز عراق)، شرکت کردند. ایالات متحده آمریکا عضو این پیمان نبود، اما بر آن نظارت داشت و در مانورهای آن شرکت می‌کرد و به اعضای آن کمک نظامی می‌داد. سازمان پیمان مرکزی حلقه مرکزی سیستم دفاعی غرب شناخته می‌شود ناتو و سیتو را به هم متصل می‌کرد (آذری نجف‌آبادی، ۱۳۹۰: ۷۰۷-۷۰۸). در این بین تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران که از مقطع زمانی سال ۱۳۳۲ شروع شده بود سرانجام در سال ۱۳۵۷ به وقوع انقلاب اسلامی در سال ۵۷ منجر شد که باعث بر هم خوردن تمام این معادلات در منطقه خاورمیانه شد و ایران را به بازیگری تأثیر گذار در منطقه تبدیل کرد.

## ۲-۲- نقش مذهب در ژئوپلتیک ایران

تا پیش از وقوع انقلاب اسلامی ایران، نظریه پردازان یکی از عوامل بروز انقلاب‌ها را مشکلات اقتصادی و تأثیر عوامل مادی بر مردم می‌دانستند، اما وقوع انقلاب اسلامی ایران و پیروزی مردم با دستهای خالی بر رژیم تا بن دندان مسلح پهلوی، نگرش جدیدی را در روند

شکل‌گیری انقلاب‌ها و عوامل ایجاد کننده آن به وجود آورد که از آن می‌توان به نقش دین و مذهب در شکل‌گیری انقلاب یاد کرد (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۶).

انقلابی که شاه را ظالم و حکومت او را حکومت جور و ستم معرفی کرد. از این رو، انگاره‌های عدالت خواهی و ظلم‌ستیزی برگرفته از دین اسلام نقش کلیدی در رخداد انقلاب اسلامی ایفا کرد. آموزه‌هایی که به مبارزه با ظالم تأکید کرده است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «چرا جهاد نمی‌کنید در راه خدا و (برای رهایی) ضعفا و مستضعفان از مردان و زنان و کودکان؛ آنان که گویند بار پروردگارا، ما را از این شهر که شهروندانش ستمکارند برهان و برایمان از نزد خود ولی و یار و یاورى قرار بده» (سوره نسا، آیه ۷۵). همچنین در جای دیگر می‌فرماید: «مردم و جامعه تغییر نمی‌کنند، مگر آنکه خود افراد تغییر و تحول یابند» (سوره رعد، آیه ۱۱). چنین مفاهیمی از عدالت خواهی و ظلم‌ستیزی در قالب حکومت جمهوری اسلامی جنبه‌ای سیاسی پیدا کرده و به عنوان استراتژی سیاست داخلی و خارجی مدنظر قرار گرفت، علاوه بر این مذهب شیعه به دلیل ماهیت اعتراضی، اجتهادی و انقلابی خود (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۳) و مفاهیمی چون مهدویت و عاشورا همواره نسبت به ولایت ظالمان و سلطه و اقتدار سیاسی نامشروع، موضع رد و نفی داشته است. این مفاهیم همراه با آموزه‌های چون ایثار و فداکاری، شهادت، نجات دین خدا، مبارزه با فساد و ظلم‌ستیزی برگرفته از مکتب عاشورا هستند. الگو و یکی از ریشه‌های انقلاب اسلامی به شمار می‌آیند (سرخاوتی، ۱۳۸۴: ۲۶).

تا پیش از انقلاب اسلامی، دین اسلام تنها یک دین فاقد کارکردهای سیاسی محسوب می‌شد، اما انقلاب ایران جنبه‌های بالقوه سیاسی آن را بالفعل ساخت و تفکر شیعی با انسجام ساختاری در ایران نشان دارد که توانایی به ظهور رساندن یکی از بزرگ‌ترین انقلاب‌های تاریخ را دارد. این توانایی باعث شد که بسیاری از نهضت‌های رهایی‌بخش و جنبش‌ها توجه خود را به ایران و اسلام معطوف کنند و رعشه‌ای را در قدرت‌های استعمارگر روزگار به وجود بیاورند تا جایی که خانم تاجر (نخست وزیر سابق انگلیس) بیان داشت: ما غربی‌ها در دهه ۱۹۸۰ از مسائل نظامی و ابزار جنگی شوروی و اقمارش نمی‌ترسیم زیرا ما هم مسلح به سلاح نظامی هستیم لکن از حضور فرهنگ اسلامی انقلاب اسلامی ایران می‌ترسیم (دانش اجتماعی و همکاران، ۱۳۷۶: ۹۰).

### ۳-۲- انقلاب ایران در قلمرو ژئوپلیتیک شیعی

به طور معمول هر رویداد در هر منطقه، پیامدهایی را به دنبال خواهد داشت و شعاع تأثیر گذاری حادثه، همه مناطق را در بر خواهد گرفت. انقلاب اسلامی به دلیل جاذبیت شعارها، اهداف، روش ها، محتوا و نتایج حرکت‌ها و سابقه مشترک دینی و تاریخی و شرایط محیطی منطقه‌ای و بین‌المللی، پدیده‌ای اثر گذار در جهان اسلام بوده است که مهمترین آن احیای ارزش‌ها و آگاهی‌های اسلامی شیعی بوده است. (کدیور، ۱۳۷۲: ۷۸).

انقلاب اسلامی ایران، ضمن اینکه ساختار نظام ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را به هم ریخت، موازنه قدرت را در مقیاس جهانی به نفع دین به هم زد به گونه‌ای که دین در سایه و حاشیه را به مرکز مناسبات اجتماعی دعوت کرد. در ابعاد منطقه‌ای، به قدرت رسیدن امام خمینی (ره) در ایران تغییری اساسی در فضای سیاسی خلیج فارس ایجاد کرده بود. در این باره می‌توان به دو دلیل عمده اشاره کرد. اولین و عمومی‌ترین دلیل آنکه رژیم اسلامی، با زیر سؤال بردن مشروعیت حاکمان سنتی بخصوص مشروعیت رژیم بعث عراق، وضعیت موجود را به چالش کشید. دلیل آن را می‌توان در جهان بینی امام خمینی (ره) جستجو کرد، که با مفهوم دولت ملی یاسرزمینی ناسازگار بود و اعتقاد به پایبندی دولت‌های کشورهای مسلمان را به اصول اسلام به عنوان شرط مشروعیت آن‌ها عنوان می‌کرد.

دومین دلیل، جاذبه بالقوه امام خمینی در نزد شیعیان خلیج فارس تهدیدی علیه عراق (و دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس با جمعیت شیعه زیاد نظیر کویت، بحرین، یمن جنوبی و عربستان بود اگر چه انقلاب ایران موضوع فرقه‌گرایی را کم اهمیت جلوه می‌داد، اما پیروزی انقلاب ایران پیروزی اسلام شیعه بود. در سراسر منطقه، شیعیان اعم از شیعیانی که در اکثریت بودند مثل عراق یا بحرین و شیعیانی که در اقلیت بودند مثل کویت از محرومیت سیاسی و اقتصادی رنج می‌بردند (کینگ و کارش، ۱۳۸۷: ۳۲-۳۳). رویکرد ایدئولوژیک انقلاب اسلامی بر فرهنگ دینی و ارزش‌های سنتی و بومی در حضور دو ایدئولوژی مارکسیسم و لیبرالیسم در سیستم نظام دو قطبی پیشین، که اکثر کشورها خصوصا کشورهای کوچک و آسیب پذیر را ناگزیر از پیوستن به یکی از این دو قطب نموده بود برای جهان غرب و قدرت‌های سلطه طلب منطقه کاملاً غیر منتظره بود. در واقع، در دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت نظام بین‌المللی و سیستم دو قطبی، رفتار مستقل برای کشورهای منطقه خاورمیانه

بسیار دشوار و پر هزینه بود (دری، ۱۳۸۸: ۲۱).

پس از آن بود که شیعیان در کشورهای حاشیه خلیج فارس، تحت حاکمیت امرای سنی با احساس قدرت و غروری که از پیروزی شیعیان در یک کشور کسب کرده بودند، در صدد کسب هویت مجدد، قدرت و اجرای اعمال مذهبی بودند و عدم رضایت خود را نسبت به حکام ارتجاعی بروز دادند. گروه‌های شیعه و سنی از مصر همچون اخوان المسلمین و جهاد اسلامی تا جنبش مسلمانان مجاهد و حزب سلمانة اسلامی در مالزی، الهامات زیادی از انقلاب اسلامی گرفتند.

#### ۴-۲- عراق شیعی در مسیر طوفان انقلاب اسلامی

عراق یکی از کشورهای حوزه خلیج فارس بود که بیشترین تأثیر را از انقلاب اسلامی پذیرفته بود. بروز حرکت‌های مردمی در این کشور بعد از انقلاب ایران بر برنامه ریزی‌های داخلی و خارجی این کشور مؤثر واقع شده بود. در بین کشورهای حاشیه خلیج فارس، صدور افکار انقلابی ایران بیش از همه موجودیت رژیم دیکتاتوری عراق را تهدید می‌کرد.

موفقیت انقلاب ایران تأثیر عمیقی در میان شیعیان عراق بر جای گذاشته بود. ایجاد سازمان‌های مخالف و انقلابی شیعی یکی از مهمترین تهدیدات برای ثبات رژیم بعثی عراق محسوب می‌شد. برخورد بین گروه شیعی و دولت بعث برای اولین بار در جمعه بعد از بازگشت امام خمینی به تهران در مسجد الخضره روی داد. پس از آن جوانان با حمایت حزب شیعی الدعوة با نوشتن شعار روی دیوار حمایت خود را از انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی علنی کردند. آیت الله صدر با ارسال فتوایی امام خمینی (ره) را چراغ خانه اسلام و به عنوان هادی مذهب یگانه پرستی ذکر کرد و خواستار تظاهرات تا سرنگونی ریاست جمهوری صدام حسین شد. پس از این حوادث سیاست سرکوب شیعیان ادامه یافت. همان. رژیم بعث که بر ملتی با اکثریت شیعه، حکومت می‌کرد به دلیل ترس از نفوذ اندیشه‌های امام خمینی با خصومت وصف ناپذیری با انقلاب اسلامی برخورد کرد (اردکانی، ۱۳۸۶: ۳۶).

در نهمین کنگره حزب بعث تأکید گردید که در برابر برنامه‌های انقلاب اسلامی ایران تنها یک راه وجود دارد و آن هم حمله نظامی به ایران است (درودیان، ۱۳۷۶: ۱۹) جیمز بیل یکی از کارشناسان مسائل منطقه خلیج فارس و خاورمیانه در مورد دلیل واقعی جنگ در کتاب خود

می‌نویسد: دلیل واقعی جنگ، درگیری سیاسی برای دست یافتن بر خلیج فارس بود. در این روند عراق امیدوار بود انقلاب ایران را در نطفه خفه کند و نابود سازد که این هدف برای کشورهای منطقه نظیر عربستان سعودی و شیخ نشین‌های خلیج، چندان ناخوشایند نبود، و نهایتاً هم جنگ بی رحمانه را علیه انقلاب نوپای ایران آغاز نمود بیل، (۱۳۷۱: ۶۸۵). عراقی‌ها چنین تصور می‌کردند که حمله نظامی سراسری در زمین و هوا، به مثابه یک شوک به سقوط نظام انقلابی ایران منجر خواهد شد و این انقلاب را در ورطه سقوط قرار خواهد داد.

### ۵-۲- انزوای ژئوپلیتیک و حمله نظامی به ایران

متأثر از شرایط جدید سیاسی ایران، محیط ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی ایران دگرگون شد. در ماه‌های پیش از آغاز جنگ، ایران از نظر بین‌المللی و منطقه‌ای منزوی شده بود، تصرف سفارت ایالات متحده در تهران و بروز بحران گروگانگیری و حوادث صحرای طبس و به دنبال آن تحریم‌های ایران از جانب امریکا را می‌توان مهمترین مواجهه جدی میان دو کشور پس از سقوط شاه، قلمداد کرد. همچنین امریکا که بعد از اشغال افغانستان توسط شوروی سابق، در سطح معادلات بین‌المللی و منطقه‌ای در برابر رقیب خود در دوران جنگ سرد دچار چالش‌های اساسی شده بود، نیروهای واکنش سریع را تشکیل داد و در منطقه خلیج فارس و جنوب غربی آسیا، فرماندهی مرکزی به وجود آورد تا مسئولیت بحران در این منطقه از حیثه عملکرد سایر ستادهای فرماندهی منطقه‌ای اقیانوس آرام، اقیانوس اطلس و اروپا بیرون کشیده شود (درودیان، ۱۳۸۲: ۲۴۱).

در این بین خروج ایران از محور غرب باعث به هم خوردن تمام معادلات استراتژیک امریکا در سطح منطقه خاورمیانه شد. ایالات متحده به عنوان متضرر اصلی انقلاب اسلامی در ایران تلاش‌های همه جانبه خود را برای تحت نفوذ در آوردن دوباره ایران آغاز کرد. بعد از این حوادث بتدریج ایران از نظر سیاسی منزوی شد و در بحران داخلی و نظامی فرورفت (علوی، ۱۳۸۷: ۹۷).

حکومت انقلابی ایران همچنین با شوروی نیز روابط گرمی نداشت، زیرا ایران جنگ شوروی در افغانستان را تهدیدی برای امنیت منطقه می‌دانست و افزون بر آن، کمونیسم منکر خدا را، تهدیدی جدی برای اسلام تلقی می‌کرد و از مقاومت افغان‌ها در مقابل شوروی حمایت

می‌کرد. (علمی، ۱۳۸۷: ۹۸).

تعارض ایدئولوژیک اساسی حکومت انقلابی ایران با اتحاد جماهیر شوروی باعث شد تا موقعیت ژئوپلیتیک ایران در نظام جهانی بسرعت تنزل یافت و سرانجام اوضاع بین‌المللی، محیط منطقه‌ای و درکی که عراقی‌ها از وضعیت سیاسی-نظامی و اجتماعی ایران داشتند، همراه با اعتقاد عراقی‌ها به توانمندی نظامی خود در برابر ایران سبب شد استراتژی عراق با هدف کسب پیروزی سریع بر پایه «جنگ محدود و برق‌آسا» علیه ایران طرح ریزی شود. موضع‌گیری و رفتار امریکایی‌ها در برابر ایران، از جمله «عملیات طبس» و «طرح ریزی کودتای نوژه»، برای عراق این معنا و مفهوم را در بر داشت که امریکایی‌ها در پی «براندازی نظامی جمهوری اسلامی» هستند و لازمه تحقق این امر، وارد کردن یک شوک نظامی است که با حمله عراق انجام می‌گرفت (درودیان، ۱۳۷۸: ۲۲-۲۳).

### ۳- الگوی ژئوپلیتیک خاورمیانه پس از جنگ

#### ۳-۱- شورای همکاری خلیج فارس

کشورهای حوزه خلیج فارس متأثر از احساس تهدید از حکومت شیعه و با آگاهی نسبت به ضعف استراتژیک خود در مقابل قدرت سیاسی و نظامی حکومت شیعی در ایران، احساس خطر کردند و با تشویق ایالات متحده به تشکیل شورای همکاری خلیج فارس اقدام نمودند و اولین اجلاس خود را در ماه مه ۱۹۸۱ م تشکیل دادند. این شورا در بدو امر صرفاً یک سازمان اقتصادی و سیاسی بود، ولی ضمناً به سمت توسعه مناسبات نظامی و امنیتی میان اعضا نیز حرکت می‌کرد (سیوز، ۱۳۸۶: ۱۵۱) تا بتدریج بتواند وزن ژئوپلیتیک خود را در مقابل قدرت منطقه‌ای تغییر یافته ایران شیعی بالا ببرند.

در این جهت، بویژه ایالات متحده هم از آن‌ها حمایت سیاسی- نظامی می‌کرد. استراتژی شورای همکاری خلیج فارس در برخورد با جنگ تحمیلی نمی‌توانست تفاوت ماهوی با استراتژی کشورهای متخاصم ایران در بیرون از منطقه خلیج فارس داشته باشد. کشورهای عرب جنوب خلیج فارس از همان آغاز جنگ و همراستا با استراتژی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران و کنترل انقلاب اسلامی کمک‌های بسیار و ذی‌قیمتی در اختیار عراق قرار دادند به طوری که حجم عظیم کمک‌های مالی و نظامی این شورا به عراق اعم از وام و

کمک‌های بلاعوض بین ۳۰ تا ۴۵ میلیارد دلار تخمین زده شده بود که عمدتاً توسط عربستان سعودی، قطر و امارات پرداخت می‌شد. همچنین تبدیل بنادر برخی از کشورها بویژه کویت به مراکز عمده ترابری دریایی برای عراق و انتقال اطلاعات جمع آوری شده توسط هواپیمای آواکس در مورد نیروهای ایرانی و همچنین فروختن ۳۵۰ هزار بشکه نفت مناطق بیطرف (عربستان، کویت و عراق) به حساب عراق، حمایت ۴۰ میلیاردی و علنی حاکم بحرین و حمایت‌های سیاسی و نیز بیانیه‌های اجلاس شورا در حمایت از مواضع عراق می‌توان اشاره کرد (نعیمی ارفع، ۱۳۷۰: ۹۷) در میان تمام کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نقش مصر در حمایت بی چون و چرا از صدام نمود بیشتری داشت که در جدول ذیل به اختصار به آن اشاره می‌شود:

جدول شماره ۱: کمک تسلیحاتی مصر به عراق

نوع تسلیحات	مدل	سال سفارش	تعداد سفارش شده	سال تحویل	تعداد تحویل	توضیحات
هواپیمای آموزشی تاکائو	EMB-312	۱۹۸۳	۸۰	۱۹۸۵- ۱۹۸۷	۸۰	این هواپیما با همکاری برزیل در مصر مونتاژ می‌شود و قابلیت انجام مأموریت‌های نظامی را نیز دارد.
هواپیمای جنگنده	اف - ۷	۱۹۸۳	۷۰	۱۹۸۳- ۱۹۸۷	۷۰	این هواپیما مدل چینی میگ ۲۱ است که با کمک چین در مصر مونتاژ می‌شود.
هواپیماهای جنگنده	اف - ۶	۱۹۸۳	-	۱۹۸۳	۱۰	این هواپیما مدل چینی میگ ۲۹ است که در مصر مونتاژ می‌شود.
تانک رزمی	تی - ۵۵	۱۹۸۱	۲۵۰	۱۹۸۱- ۱۹۸۳	۲۵۰	این تانک‌ها ساخت شوروی سابق هستند
تانک رزمی	تی - ۵۵	۱۹۸۳	-	۱۹۸۳- ۱۹۸۴	۶۰- ۱۴۰	این تانک، مدل رومانیایی تانک تی - ۵۵ شوروی است
راکت انداز چند لول	21-BM	۱۹۸۵	-	۱۹۸۵- ۱۹۸۷	۱۵۰	این راکت انداز ساخت شوروی سابق است
راکت انداز چند لول	صفر - ۳۰	۱۹۸۷	۱۰۰	۱۹۸۷	۱۰۰	این راکت انداز از نوع مصری راکت انداز ساخت شوروی 21-BM

توضیحات	تعداد تحویل	سال تحویل	تعداد سفارش شده	سال سفارش	مدل	نوع تسلیحات
مدل این موشک ممکن است سوینگفایر باشد	۱۰۰	۱۹۸۱	-	۱۹۸۱	AT-3	
این بالگرد در مصر مونتاژ شده است	-	-	۱۰	۱۹۸۷	غازیل	بالگرد
این محموله تصدیق نشده است	-	-	-	۱۹۸۷	عین الصقر	موشک زمین به هوا
این محموله تصدیق نشده است	-	-	۴۰	۱۹۸۷	sa-6	موشک زمین به هوا

(حسینی، ۱۳۹۱)

یکی دیگر از حوزه‌های همکاری مصر و عراق در طول جنگ، همکاری در پروژه‌های موشکی بوده است. در مجموع، مصریان در سه پروژه موشکی عراق به نام‌های العباس، الحسین و بدر ۲۰۰۰ همکاری کرده‌اند. البته تمرکز این همکاری‌ها روی پروژه بدر ۲۰۰۰ بود. هدف از این پروژه تولید موشک‌های بالیستیک با برد ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلومتر بود. (حسینی، ۱۳۹۱). بعد از پایان جنگ و در زمان اشغال کویت توسط عراق شورای همکاری از مواضع گذشته خود در حمایت از بغداد نادم و پشیمان شد و برای تقویت روابط با ایران بشدت ابراز علاقه کرد (شهبایی، ۱۳۸۶: ۱۸۱).

## ۲-۳- موضع ترکیه

انقلاب اسلامی خطر آشکاری برای ترکیه محسوب می‌شد؛ کشوری که حدود ۱۰ میلیون نفر از جمعیتش اصالتاً شیعه هستند. امام خمینی پس از پیروزی انقلاب اسلامی بلافاصله اعلام کرد که رژیم ترکیه به زور سرنیزه حکومت می‌کند و معتقد بود رهبران ترک نیز با سرنوشتی مشابه سرنوشت شاه روبه رو هستند. این اظهارات در شرایطی ابراز شد که بر اساس ماده ۱۶۳ قانون جزایی آن کشور، عضویت در طریقت‌ها و جماعت‌های اسلامی جرم محسوب می‌شد. (نوروزی و عبد خدایی، ۱۳۹۱: ۱۳۶)، کمی پس از این اظهارات، ارتش ترکیه وارد عمل شد و کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ در ترکیه رخ داد. (خرمی، ۱۳۸۷: ۵۶).



حکومت ترکیه که تا قبل از شروع جنگ روابط خود و عراق را در سایه بعضی مسائل همانند روابط خاص دو طرف با ابرقدرت ها، تهدید ترکیه به استفاده از حربه آب، بروز درگیری‌های مرزی و ... در کنار مشکلات تاریخی فی مابین دچار نوساناتی می‌دید با آغاز جنگ روابط سیاسی خود را با این کشور بهبود بخشید. ترکیه که تا قبل از جنگ بارها از پذیرفتن وزیر انرژی عراق امتناع می‌ورزید، با شروع جنگ او را پذیرفت و چند قرارداد همکاری اقتصادی بین دو طرف امضا شد. به علاوه در این برهه، چندین قرارداد بازرگانی و ترانزیت دیگر نیز منعقد شد (لاسجودی، ۱۳۸۰: ۲۳۴-۲۳۵).

اهمیت این ارتباطات زمانی بیشتر مشخص می‌گردد که در سال ۱۳۶۱، سوریه به طرفداری از ایران، خط لوله انتقال دهنده نفت عراق را قطع نمود و عراق تنها از طریق خاک ترکیه و به واسطه چنین قراردادی قادر به صدور نفت خود شد (نوازی، ۱۳۸۱: ۳۰۳).

همچنین ناسیونالیسم کردی که ترس از تجزیه ترکیه را در دل سیاستمداران ترکیه ایجاد کرده بود، در جنگ ایران و عراق نگرانی ترکیه را افزون تر کرد. به این ترتیب ترکیه شاهد قدرت‌یابی کردهای عراق در مرزهای جنوبی خود بود و برای ورود به عراق و سرکوب کردها با عراق به توافق رسید. با توجه به تسلط ایران بر مناطق نزدیک خط لوله نفت عراق به ترکیه - ترکیه اعلام کرد این مناطق ممکن است محل تجمع چریک‌های کرد گردد و هر تعقیب شدید کردها به سمت عراق می‌تواند آن‌ها را با نیروهای ایرانی رو در رو سازد. به علاوه برای مداخله نظامی ترکیه در شمال عراق علیه ایران می‌توان عوامل دیگری را نیز برشمرد.

۱- منافع حوزه نفتی کرکوک، مقدار زیادی از نیاز نفتی ترکیه را فراهم می‌کرد لذا عملیات نظامی آن کشور در شمال عراق به منزله هشدار علیه ایران بود تا از توسعه دامنه فعالیت خود به این منطقه بکاهد.

۲- ضعف روزافزون عراق در کنترل مرزها دلیل بعدی بود. ترکیه که برهم خوردن توازن قوا و پیروزی یکی از طرفین را به ضرر امنیت خود می‌دید می‌خواست به گونه‌ای عمل کند که جنگ برنده‌ای نداشته باشد. پس در برابر ضعف نیروهای عراق که توان مقابله با کردها و ایران را نداشت، ترکیه به مداخله ی نظامی روی آورد.

۳- منافع غرب در مناطق نفتی باعث می‌شد تا آن‌ها به دنبال حفظ این نواحی از تبعات جنگ باشند. بنابر این ترکیه با حمایت غرب وارد این منطقه می‌شد و حملات ایران را خنثی

می‌کرد لاسجردی، ۱۳۸۰: ۲۵۸-۲۵۳).

بنابراین، به رغم اینکه ترکیه طی جنگ روابط دیپلماتیک خود را با ایران و عراق حفظ کرد و حتی راه دسترسی ایران به غرب را نیز فراهم کرد، پیروزی نهایی عراق نفع بیشتری برایش داشت، همچنین شکست ایران می‌توانست جلوی گسترش نفوذ انقلاب ایران را به این کشور بگیرد (خرمی، ۱۳۸۷: ۵۶).

### ۳-۳- جبهه پایداری عرب

جبهه پایداری عرب با شرکت کشورهای الجزایر، سوریه، لیبی، عراق، یمن جنوبی و سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) در اعتراض به روند سازش مصر و اسرائیل تشکیل گردیده بود. با آغاز جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی ایران در بیست و دوم سپتامبر ۱۹۸۰ (سی و یکم شهریور ۱۳۵۹)، اعضای این جبهه مواضع مختلفی را اتخاذ کردند: الجزایر، یمن جنوبی و سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) با اعلام بی‌طرفی در جنگ از موضع‌گیری صریح در قبال جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی ایران طفره رفتند. با این حال این جبهه، تحت نفوذ سوریه، از موضع جمهوری اسلامی ایران در جنگ حمایت کرد و با برگزاری چند اجلاس، و صدور بیانیه‌هایی به حمایت از ایران پرداخت (درویش پور، ۱۳۷۵: ۱۰۰).

از میان کشورهای عضو، سوریه نقش فعالی در حمایت از ایران ایفا نمود. این کشور با بر این باور بود که صدام با حمله به کشورهای اسلامی سعی دارد کشورهای عرب را از عمق استراتژیک رویارویی با اسرائیل محروم کند. در اوایل جنگ، خط لوله نفتی عراق به مدیترانه را مسدود کرد و به ایران و کردها، برای مقابله با عراق، از طرق گوناگون کمک کرد و از این طریق خسارت‌های مالی سنگینی به عراق وارد کرد. لیبی نیز مانند سوریه دومین کشور قدرتمند عرب بود که موضع حمایتی از ایران در جنگ بر عهده گرفت. این کشور با بستن پیمان استراتژیک با ایران و ارسال سلاح و تلاش برای حمایت دیگر کشورهای عرب از ایران روابط خود را با عراق قطع کرد و در عوض، روابط میان ایران و لیبی هر چه بیشتر توسعه یافت. یمن و الجزایر نیز که از اعضای جبهه پایداری بودند، با ارسال سلاح به ایران نقش فعالی را در این جنگ بر عهده داشتند. (کردز من و واگنر، ۱۳۷۶: ۳۲).

همچنین به دنبال پیروزی‌های نظامی ایران در جبهه‌های جنگ و بازپس‌گیری مناطق اشغالی

از جمله خرمشهر و رسیدن نیروهای ایرانی به مرزهای بین‌المللی در سال ۱۳۶۱ (۱۹۸۲)، اجلاس وزرای خارجه جبهه پایداری در الجزایر در خرداد ماه تشکیل شد. در پایان این اجلاس بیانیه‌ای در یازده بند انتشار یافت و در حمایت از جمهوری اسلامی ایران با هرگونه عربی کردن جنگ ایران و عراق بشدت مخالفت شد. وزرای جبهه پایداری در بند ششم بیانیه مخالفت شدید خود را با تلاش کشورهای عربی برای پذیرش مجدد عضویت مصر در اتحادیه عرب و وارد کردن آن کشور به نفع عراق در جنگ علیه ایران اعلام کردند و تمام تلاش‌های معطوف به گسترش جنگ عراق و ایران از سوی کشورهای عربی، بویژه از سوی رژیم مصر را مردود دانستند.

به نظر شرکت کنندگان در اجلاس، یکی از اهداف این تلاش ایجاد بهانه برای مصالحه با رژیم مصر و گسترش کمپ دیوید و جنگ افروزی در تمام منطقه است. در بند نهم بیانیه وزیران خارجه جبهه پایداری نیز آمده بود که انقلاب اسلامی ایران از آرمان اعراب، بویژه از آرمان فلسطین، حمایت کرده و انقلاب اسلامی ایران دوست ماست و رابطه با این کشور باید تقویت شود. در مقابل، قطعنامه اتحادیه عرب در تونس بار دیگر همبستگی کامل دول عرب را با عراق در دفاع از آنچه حقانیت حاکمیت عراق و استقلال و تمامیت ارضی آن خوانده شده بود، اعلام کرد (راکی، ۱۳۸۴: ۳۸).

#### ۴- الگوی ژئوپلیتیک جهانی پس از جنگ

با طولانی شدن جنگ، هر دو ابر قدرت به جانب عراق متمایل شدند گرچه از نظر امریکا هردو رژیم، رژیم‌های متخاصمی بودند و ترجیح می‌دادند بی‌طرف بمانند. اما هر دو طرف در مورد یک چیز نگران بودند، تأثیر پیروزی انقلاب بر ثبات منطقه (مورلی میلتن و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۱۴).

##### ۴-۱- امریکا

در نخستین اظهار نظر رسمی رئیس جمهور آمریکا بعد از ورود لشکریان عراق به خاک ایران ابداً اثری از محکومیت رفتار خصومت‌آمیز عراق دیده نمی‌شود. جیمی کارتر تنها دو روز بعد از تهاجم نظامی عراق در سخنانی اعلام کرد: امریکا در جنگ بی‌طرف است و از همه کشورها از

جمله اتحاد جماهیر شوروی می‌خواهد که در جنگ ایران و عراق مداخله نکنند. اما پیشروی و پیروزی ایران در صحنه‌ی جنگ (عملیات‌های فتح المبین و بیت المقدس) باعث شکل‌گیری واکنش سریع در میان مقامات آمریکایی شد. وزارت خارجه آمریکا در فروردین ۱۳۶۱ از پیروزی ایران در جنگ ابراز نگرانی کرد و پیروزی ایران را عامل بی‌ثباتی در منطقه توصیف کرد و آن را گامی برای گسترش انقلاب اسلامی در منطقه دانست (کریمی، ۱۳۸۰: ۱۰۱).

تداوم گسترش دامنه جنگ و تضعیف تدریجی عراق بر اثر حمله‌های پی‌درپی ایران، همراه با گسترش نهضت اسلام‌خواهی در خاورمیانه، منافع آمریکا را با خطر جدی مواجه کرده بود. امریکایی‌ها بخوبی می‌دانستند که پیروزی ایران می‌تواند همه چیز را در منطقه به ضرر آمریکا به جریان بیندازد، دولت ایران را در موضع برتر در منطقه بنشانند و اعتماد به نفس مضاعفی در رویارویی دو کشور به ایران بدهد (صفوی و اردستانی، ۱۳۸۸: ۴۹-۴۸).

امریکا با آنکه در نخستین جلسه شورای امنیت پیش از جنگ اعلام کرده بود که در مورد جنگ ایران و عراق موضع بی‌طرفی را رعایت می‌کند، بیشترین خط دهی و انسجام بخشیدن به رفتار بازیگران بین‌المللی را در پشتیبانی از رژیم عراق به عهده گرفت، و تلاش شایانی صرف این مسئله کرد که ماشین جنگی ایران را که شتاب فزاینده‌ای پیدا کرده بود، متوقف سازد (اردستانی، ۱۳۸۸: ۱۲۷-۱۲۰). با ادامه عملیات موفقیت‌آمیز ایران بخصوص پس از عملیات والفجر سیاست‌گذاران آمریکایی به هراس افتادند، و از اواسط ۱۹۸۲ اقدام به حمایت جانبدارانه از عراق نمودند. از جمله این حمایت‌ها در سازمان ملل حمایت از درخواست عراق در مورد برقراری آتش بس بین ایران و عراق، تشویق فرانسه عمده‌ترین دولت غربی فروشنده اسلحه به عراق، به دادن وام بیشتر به عراق، چراغ سبز نشان دادن به مصر برای فروش مقادیر زیادی اسلحه به عراق بود (تیرمن، ۱۳۸۳: ۲۶۷).

از دیگر حمایت‌های آشکار آمریکا در جنگ علیه ایران می‌توان به تلاش این کشور برای کاهش قیمت نفت به منظور فلج‌سازی اقتصاد ایران، آغاز رسمی روابط آمریکا با عراق پس از سالها رکود اشاره کرد. امریکایی‌ها برای مهار نتایج ناشی از پیروزی‌های ایران، علاوه بر اقدامات فوق‌الذکر، سعی داشتند به هر نحو ممکن از ارائه امتیاز به ایران جلوگیری کنند تا ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای ظاهر نشود. در جهت این سیاست سازمان ملل نیز با وجود برتری جمهوری اسلامی، شرایط ایران مبنی بر محکومیت متجاوز و پرداخت غرامت به ایران

را نپذیرفت (درودیان، ۱۳۷۶: ۶۳-۶۲).

وزیر دفاع سابق امریکا (کاسپار واینبرگر) در سخنرانی خود تحت عنوان مبارزه برای صلح موضع بیطرفی اعلام شده امریکا را به چالش کشید و عنوان کرد: امریکا در جریان جنگ با وجود ادعاهای بی‌طرفی جانب عراق را گرفت (کریمی، ۱۳۸۰: ۱۷۴).

## ۲-۴- شوروی

در دوره ابتدایی جنگ با توجه به جنگ سرد بین شوروی و امریکا، شوروی سیاست بی‌طرفی را در جنگ عراق و ایران اتخاذ کرد زیرا با سقوط ایران ممکن بود نظامی طرفدار امریکا جایگزین آن شود که برای شوروی ناخوشایند بود. از طرفی با سقوط عراق نیز ممکن بود منافع شوروی در عراق و کشورهای رادیکال عرب از دست برود. به هر حال، شوروی احساس نمود که عراق بایستی بازداشته شود و حتی به ایران پیشنهاد تحویل سلاح داد، ولی با توجه به سیاست‌های ضدشرقی ایران مورد پذیرش واقع نشد. البته دلایل حمایت نسبی از ایران برای شوروی می‌توانست قانع کننده تر باشد زیرا وسعت ایران چهار برابر و جمعیت آن سه برابر عراق بود و آغازگر حمله نیز عراق بود (صدقی، ۱۳۸۶: ۴۱).

در تمام این مدت، کرملین از طریق متحدان عرب خود - سوریه و لیبی که روابط حسنه‌ای با جمهوری اسلامی داشتند، تلاش می‌کرد تا با تأمین بخشی از نیازهای تسلیحاتی ایران، محور تهران، طرابلس، دمشق را تقویت کند، و مواضع ضد روسی ایران را خصوصاً در مورد قضیه افغانستان تعدیل کند (درویشی و رحمتی، ۱۳۹۱: ۳۳). هرچند مسئله صدور گاز ایران به شوروی به سبب اختلاف در تعیین قیمت لاینحل مانده بود، ولی با این حال، بهبود نسبی در روابط دو کشور تا آزادسازی خرمشهر توسط ایرانیان از دست نیروهای عراقی ادامه داشت.

با پیروزی و پیشروی ایران در جبهه‌های جنگ، حکومت شوروی که حضور یک دولت قوی اسلامی را در مرزهای جنوبی اش تهدیدی برای جمهوری‌های مسلمان نشین خود تلقی می‌کرد، رویکرد بی‌طرفی خود را نسبت به جنگ تغییر داد و ضمن عقد قرارداد فروش دو میلیارد دلار سلاح به عراق کوشید تا با فشار کره شمالی و دیگر کشورهای کمونیستی از فروش سلاح به ایران جلوگیری کند (درویشی و رحمتی، ۱۳۸۵: ۴۲). شوروی برای برقراری توازن در جنگ و جلوگیری از پیروزی ایران، کمک مالی و تسلیحاتی خود را به عراق از سر

گرفته بود و در همان ابتدا، یک کمک ۱/۵ میلیارد دلاری در اختیار بغداد گذاشت. در ادامه این کمک‌ها، میگ‌های ۲۳ و ۲۵ و تانک‌های تی ۷۲ و موشک‌های زمین به زمین و زمین به هوا و سیل جنگ افزارهای مختلف روسی به عراق سرازیر شد و دو هزار مستشار شوروی برای تقویت روحیه ارتش عراق که بسیار ضعیف شده بود به فعالیت پرداختند.

رهبران شوروی به این نتیجه رسیده بودند که پیروزی نظامی ایران ممکن است تهدید جدی برای توازن قوا در منطقه به شمار رود، بنابراین تمام توان را برای جلوگیری از این امر به کار بردند (امیر احمدی، ۱۳۸۴: ۸۲). هدف دیگر مسکو در کمک‌های نظامی به عراق، گرفتن امتیازات مناسب در منطقه با توجه به بحران به وجود آمده از جنگ ایران و عراق بود (درویدان، ۱۳۸۹: ۴۸-۴۹).

استراتژی شوروی در جنگ و موضع‌گیری آن کشور در قبال ایران، باعث شکل‌گیری واکنش‌هایی در میان مقامات عالی رتبه در ایران شد. به طوری که رئیس‌جمهور ایران آیت‌الله خامنه‌ای در خطبه نماز جمعه فرمودند: تاکنون دولت‌هایی، از جمله شوروی ادعا می‌کردند که در جنگ بی‌طرف هستند و بارها این مسئله را در مذاکرات و پیام‌های خود به ما نشان می‌دادند و ارسال تسلیحات خود به عراق را در چارچوب قراردادهای گذشته خود توجیه می‌کردند، اما امروز روس‌ها به طور واضح و علنی بی‌طرفی خود را در منطقه نشان می‌دهند و علناً از دشمن ما حمایت می‌کنند.

آیت‌الله هاشمی نیز در پاسخ به گلایه نماینده‌ی وزارت خارجه شوروی و اظهار گله‌مندی متقابل تاکید کردند مهمترین مسئله ما با روس‌ها حمایت روس‌ها از عراق است (کیهان، ۱۳۶۶/۰۱/۱۷). با وجود این، اجرای عملیات موفقیت‌آمیز ایران در سال‌های پایانی جنگ، تغییر محسوسی در نگرش کشورهای خارجی و دو طرف جنگ پدید آورد، اما به معنای توافق با ایران نبود و آن‌ها حاضر نبودند پس از این پیروزی‌ها به خواسته‌ها و حقوق ایران تن دهند (قاسم پور، ۱۳۸۸: ۷۶).

امریکا و شوروی به منظور حفظ ثبات و برقراری توازن در منطقه خلیج فارس به تازگی پایان جنگ بدون پیروز معتقد بودند. بر اساس این فهم مشترک سیاسی، دو ابرقدرت در ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ قطعنامه ۵۹۸ را به توافق آرا در شورای امنیت سازمان ملل متحد به تصویب رساندند.

## ۵- تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری

در گستره‌های جغرافیایی، تعاملات بسیار پیچیده‌ای میان عوامل سیاسی، اجتماعی و جغرافیایی به چشم می‌خورد. وقوع انقلاب اسلامی در خاورمیانه و ایجاد بحران برای ابرقدرتهایی چون آمریکا و شوروی که به نام بلوک‌های شرق و غرب مشهور بودند، عرصه‌هایی جدی در تصمیم‌سازی علیه این نظام فکری نوپا فراهم کرده بود. وقوع چنین انقلابی با توجه به اهمیتی که ایران از نظر ملاحظات ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک در سطح منطقه خاورمیانه داشت، باعث به هم خوردن توازن ژئوپلیتیک در منطقه خاورمیانه گردید. چنین انقلابی با رویکرد شیعی خود در سطح منطقه و جهان حمایت از مظلومان و ظلم ستیزی را در دستور سیاست خارجی خود قرار داد، و با توجه به هویت خود باعث هویت یابی مجدد شیعیان در سطح منطقه خاورمیانه گردید.

چنین تحولی برهم خوردن الگوی توازن نسبی قدرت میان دو قدرت ایران و عراق را در صحنه ژئوپلیتیک منطقه به همراه داشت. علاوه بر آن، وقوع انقلاب اسلامی و خروج ایران از پیمان‌های منطقه‌ای مانند سنتو، پایانی بود بر استراتژی آمریکا که بعد از دکترین نیلسون در دهه ۱۹۷۰، ایران را به عنوان یکی از ستون‌های منطقه، مسئول حفظ و ثبات منافع خود در منطقه کرده بود.

همچنین رویکرد ظلم‌ستیزی انقلاب اسلامی ایران و حمایت از مردم مظلوم افغانستان باعث ایجاد نوعی واکنش در دیگر قدرت جهان یعنی روسیه نسبت به سیاست‌های حمایت‌گرانه ایران گردیده بود. انزوای ژئوپلیتیک ایران که توسط جهان دو قطبی آن زمان و اکثر کشورهای قدرت طلب منطقه خاورمیانه در مقابله با گسترش انقلاب شیعی در آن کشورها آغاز شده بود، پس از اشغال سفارت آمریکا و قطع رابطه و تحریم اقتصادی ایران توسط آمریکا، جنبه عملی‌تری به خود گرفت و موقعیت ژئوپلیتیک ایران را در نظام جهانی به سرعت تنزل بخشید. چنین انقلابی با تفکرات شیعی خود باعث شکل‌گیری همگرایی‌هایی در سطح منطقه خاورمیانه و قدرت‌های سلطه طلب آن دوران برای جلوگیری از نفوذ تفکرات شیعی و قدرت گرفتن سایر شیعیان در سطح کشورهای دیگر منطقه و جهان گردید. انزوای ژئوپلیتیک شکل گرفته آن دوران ایران شیعی یک خلأ قدرت در سطح منطقه به وجود آورد و توجه قدرت‌های توسعه طلب منطقه‌ای و جهانی را به این منطقه جلب کرد.

صدام با توجه به چنین فضای روانی شکل گرفته و از آنجا که زمینه را در همراهی قدرت‌های جهانی با خود برای ایجاد جنگ علیه ایران فراهم می‌دید با بیان ادعاهای دیرینه و تاریخی خود اعلام کرد عراق آماده است تمام اختلافات مرزی خود با ایران را با زور حل کند، و آغازگر جنگی شد که ساختار ژئوپلتیک را در سطح منطقه و جهان دستخوش تغییراتی شگرف گردانید؛ عاملی که ژئوپلتیک قدرت را در سطح منطقه دگرگون ساخت و دسته بندی‌های سیاسی منطقه‌ای را متحول گردانید. استراتژی کشورهای منطقه و همسویی و همگرایی کشورهای حوزه خلیج فارس؛ همسویی ایدئولوژیک قدرت‌های سلطه طلب از عملیات تجاوز کارانه عراق بر ضد ایران؛ از آن دسته از رویدادهای ژئوپلتیک بودند که تحت تأثیر جنگ در جهان در حال تحول شکل گرفته بود. اکثر کشورهای حوزه خلیج فارس، همچنین قدرت‌های جهان دوقطبی آن زمان (امریکا، شوروی)، با توجه آنکه پیروزی ایران و قدرت‌گیری شیعیان منافع آنان را در سطح منطقه با خطر روبه‌رو می‌ساخت، حمایت‌های آشکار و پنهان خود را از عراق آغاز کردند، اما با پیروزی رزمندگان ایران در جبهه‌های حق علیه باطل بخصوص بعد از آزاد سازی خرمشهر و تعقیب متجاوز در داخل خاک عراق تا زمان اعاده حقوق حقه‌شان، باعث بر هم خوردن ساختارهای حمایتی و ژئوپلتیک شکل گرفته از عراق در سطح منطقه شد.

قدرت‌های حامی عراق در طول جنگ که بعد از پیروزی‌های ایران در جنگ، منافع خود را در معرض خطر می‌دیدند، تحرکات خود را در سطح منطقه و مجامع بین‌المللی در جهت پایان یافتن جنگ آغاز کردند؛ تحرکاتی که نشان از اذعان به آغاز نقش ایران شیعی به عنوان یک بازیگر مهم ژئوپلتیک در سطح منطقه خاورمیانه داشت.



## منابع

۱. قران کریم.
۲. ابو الحسن شیرازی، حبیب اله؛ آخوند مهریزی، مسعود. (۱۳۸۷)، جایگاه منابع انرژی در امنیت خلیج فارس و امنیت آمریکا با توجه به الگوی امنیت مشارکتی. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، تابستان، سال چهارم، شماره هفتم، صص ۱۸۷-۲۱۱.
۳. احمدی، سیدعباس، محمود واثق، جاسم نژاد، ذم‌سعود. (۱۳۹۱). ژئوپلتیک شیعه و ارتقای جایگاه ایران در خاورمیانه پس از انقلاب اسلامی، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۸۰ تابستان.
۴. احمدی، سیدعباس و اسماعیل پارسایی، (۱۳۸۶)، جایگاه ایران در نظریه‌های ژئوپلتیک، تهران، اولین کنگره انجمن ژئوپلتیک ایران، پاییز، صص ۲۷۷-۲۹۷.
۵. آذری نجف آبادی، محمد مهدی (۱۳۹۰)، تغییر مرکز ثقل سیاست خارجی آمریکا پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱م.»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، پاییز، شماره ۳، صص ۷۰۲-۷۳۶.
۶. اردستانی، حسین (۱۳۸۸)، جنگ ایران و عراق؛ رویارویی استراتژی‌ها، چاپ دوم، تهران: انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۷. امیر احمدی، هوشنگ (۱۳۸۶)، سیاست خارجی منطقه‌ای ایران (بخش اول)، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال هفتم، شماره ۱۱-۱۲، مرداد و شهریور، صص ۷۶-۸۹.
۸. آیین، یاسر، (۱۳۸۸) تقابل آینده گرایی ایرانی و آمریکایی، تهران، فصلنامه مشرق، سال سوم، شماره یازدهم، پاییز، صص ۲۰۱-۲۲۲.
۹. ایزدی، جهانبخش؛ خلفی، فرزاد. (۱۳۹۰)، راهبردهای تحقق تعامل مؤثر و سازنده ایران در نظام بین‌الملل، تهران، فصلنامه ره‌نامه سیاست‌گذاری، سال دوم، بهار، شماره سوم، صص ۴۳-۶۷.
۱۰. برزنونی، محمد علی، (۱۳۷۹)، آثار حقوقی جنگ در اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر،

- مجله حقوقی نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌الملل ج. ا. شماره ۲۵، صص ۸۳-۵۷.
۱۱. بیرو، آلن. (۱۳۷۰)، فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
  ۱۲. حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
  ۱۳. حشمت زاده، محمد باقر. (۱۳۷۹)، ارتباط و امنیت ملی در جنگ ایران و عراق، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
  ۱۴. حجت الله درویش پور، (۱۳۷۶) بررسی پدیده ناسیونالیسم در جهان غرب، تهران.
  ۱۵. جاودانی مقدم مهدی. (۱۳۹۱)، ژئوپلیتیک نوین تشیع در خاورمیانه و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک سال هشتم، شماره دوم.
  ۱۶. خرمی، محمد علی. (۱۳۸۷). جنگ ایران و عراق در اسناد سازمان ملل متحد. جلد ۱، تهران: مرکز اسناد دفاع مقدس.
  ۱۷. خلیلی، محسن، منشادی، مرتضی و آزموده، فهیمه، (۱۳۹۰). بایستگی‌های ژئواکونمیک توسعه منطقه جنوب شرق ایران، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان، صص ۸۱-۱۲۶.
  ۱۸. خوش خطی، مهدی و مهتاب امجدی، (۱۳۸۹)، ساختار آینده بین‌الملل و آینده سیاسی خلیج فارس، نشریه راهبرد یاس.
  ۱۹. درودیان، محمد (۱۳۷۸)، جنگ؛ بازیابی ثبات (تجربه و تحلیل جنگ ایران و عراق). جلد دوم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
  ۲۰. درودیان، محمد (۱۳۸۲)، اجتناب ناپذیری از جنگ (نقد و بررسی جنگ ایران و عراق - جلد دوم)، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، انتشارات شپیده احرار.
  ۲۱. درویشی، فرهاد و رحمتی، مهدی (۱۳۸۵)، روابط ایران و شوروی در دوره جنگ ایران و عراق سال‌های ۱۳۵۹ ه. ش تا ۱۳۹۷ ه. ش (با تأکید بر مسئله افغانستان).
  ۲۲. ر. سیوتر، کارول (۱۳۸۹)، اتحاد شوروی و خلیج فارس در دهه ۱۹۸۰، ترجمه بیژن اسدی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، انتشارات مرکز چاپ سپاه.
  ۲۳. زمانی، هادی (۲۰۰۸)، نفرین نفت: تجربه ایران (موانع تکوین دولت مدرن و توسعه اقتصادی در ایران)، جلد دوم، لندن.

۲۴. فرزندی اردکانی، عباسعلی، (۱۳۸۹)، مبانی نظری صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی (ره): چرایی، اهمیت و ضرورت صدور انقلاب، تهران: پژوهشنامه متین.
۲۵. قهرمانی، مهرداد، (۱۳۹۱)، دیپلماسی نوین جمهوری اسلامی ایران و جابه‌جایی قدرت در خاورمیانه، پایگاه مطالعات تخصصی اینپا سیاست بین‌الملل.
۲۶. صفوی، سیدیحیی؛ حسین، اردستانی. (۱۳۸۸). مبدأ تحول در استراتژی نظامی ایران: عملیات ثامن الائمه، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ و انتشارات قلم آذین.
۲۷. طباطبایی، علی و محمودی، علی (۱۳۸۹)، «تأثیر قراردادهای همکاری ناتو و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، تابستان، شماره ۵۵، صص ۵۹-۷۷.
۲۸. علومی، ابراهیم، (۱۳۸۷)، بحران گروگان‌گیری و تحریم ایران. فصلنامه راهبرد، سال هفدهم، تابستان، شماره چهل و هفتم، صص ۹۸-۱۲۱.
۲۹. فاضلی نیا، نفیسه (۱۳۸۵)، ژئوپلیتیک شیعه و مسئله امنیت ملی ایران»، فصلنامه شیعه شناسی، سال چهارم، بهار، شماره ۱۳، صص ۲۱-۳۱.
۳۰. کارکنان نصر آبادی، محمد، (۱۳۸۶) فصلنامه مطالعات ملی، ۲۲ سال ششم، شماره ۱۶.
۳۱. محمدی، منوچهر و ابراهیم متقی (۱۳۸۶)، دکترین تعامل سازنده در سیاست خارجی کشور، فصلنامه راهبرد یاس، سال اول، تابستان، شماره چهارم، صص ۱۳۹-۱۹۰.
۳۲. واعظی، محمود (۱۳۸۵)، ژئوپلیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز (بنیان‌ها و بازیگران)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۳۳. نعیمی رفیع، بهمن (۱۳۷۰) مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۳۴. مصلی نژاد، عباس، (۱۳۹۱)، هویت یابی شیعیان و ژئوپولیتیک نوین خاورمیانه، تهران، فصلنامه ژئوپولیتیک.
۳۵. محمداپور، علی (۱۳۸۵)، ژئوپلیتیک شیعه در خاورمیانه پس از حمله آمریکا به عراق، مجموعه مقالات دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران: جایگاه ایران در نظام ژئوپلیتیک قرن ۲۱)، تهران: انجمن ژئوپلیتیک ایران.
۳۶. مجیدی، حسین (۱۳۹۱)، «از جنبش تا نهاد، باز خیزی شیعیان خاورمیانه، فصلنامه

- مطالعات جهان، سال اول، بهار.
۳۷. لاسجردی، حسن (۱۳۸۰)، نقش و مواضع ترکیه در جنگ ایران و عراق، فصلنامه مطالعات خاورمیانه جلد هشتم، صص ۲۹۸-۲۲۷.
۳۸. نوازنی، بهرام (۱۳۸۱)، گاه شمار سیاست خارجی ایران: از دی ماه ۱۳۵۹ تا مرداد ماه ۱۳۹۷، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۹. نوروزی، رسول، عبد خدای، مجتبی. (۱۳۹۰)، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی سال نهم پاییز.
۴۰. میلتنون، مورلی، ادوارد پیتز، هینچ کلیف، (۱۳۸۵) بحران در خاورمیانه، ترجمه شهرزاد رستگار شریعت پناهی، نشر قومس.
41. Keesing S (1978), Contemporary Archives: vol.XXIV London: Keesing S Publication & Longman. p. 29163-4.
42. Karabulut, Bilal; (2005). "Strateji Jeostrateji Jeopolitik"; Ankara : Platin
43. V. Vandyke (1966), International Politics, New York, Application Century-crofts.
44. [www.shehr.persiangig.com/iran.pdf](http://www.shehr.persiangig.com/iran.pdf).
45. [www.investiniran.ir/fa/investment](http://www.investiniran.ir/fa/investment).
46. [www.rasekhoon.net/article/show-103752.aspx](http://www.rasekhoon.net/article/show-103752.aspx).